

سخنرانی عبدالله نایبی

رئیس دوره یی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان

در گردهمایی نماینده گان احزاب و سازمانهای مترقی و شخصیتهای سیاسی جنبش دموکراتیک

در خارج کشور

شهر کسل ۲۳ مارچ ۲۰۱۳

ابلهی دید اشتری بچرا

گفت نقش کج است چرا

گفت اشتر که اندر این پیکار

عیب نقاش می کنی هشدار

در کجیم مکن بطعنه نگاه

تو ز من راه راست رفتن خواه

سنائی

رفقای و همزمان گرانقدر،

گردهمایی امروز ما به هدف بحث و گفتگو در باره مسأله مرکزی امروز جنبش دموکراتیک کشور، یعنی بایسته گی و چه گونه گی تشکل نیروهای ترقیخواه و پیشرو در یک نهاد بزرگ سیاسی دایر است.

یک سال از اساسگذاری ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه می گذرد. زیستن در روند همسویی و همگرایی به منظور ساختن یک سازمان واحد، جالب و سخت آموزنده است. ما در جلسات پیهم و منظم ارگانهای رهبری ائتلاف و نشستها بین کادرها و فعالین سازمانهای مشمول ائتلاف شاهد آن بودیم که چه گونه دشمنیها باز می ایستند، اختلافات، رفیقانه و صمیمانه مورد کنکاش قرار می

گیرند و بیشترین زدوده می شوند. همگرایی به کوشش و تلاش با همی رفیقانه مبدل می شود و مهم تر از همه ، تصمیم برای رساندن ائتلاف به آماج فرجامین آن، یعنی ایجاد حزب سراسری واحد متری و دموکرات، استوارتر و پایا تر می گردد. به همینگونه مشاهده کردیم که کدام حلقات و افراد به خاطر کدام اهداف در صدد برهم زدن این پروژه سازنده سیاسی اند.

امروز، با اطمینان میتوان گفت:

۱- ائتلاف به حیث یگانه امکان تشکل نیروهای متری در یک سازمان بزرگ سراسری مدافع منافع مردم افغانستان تبارز کرده است، به گونه یی که یا این برنامه به سر می رسد و آن حزبی که همه ما و شما در آرزوی پدیداری آنیم، ساخته می شود، یا برای مدتی نسبتاً دراز، مردم افغانستان از داشتن یک وسیله سیاسی مؤثر برای تبارز اراده و خواستههای خود بی بهره می ماند. راه سومی وجود ندارد. باید توجه داشت که این حکم ما از روی خود باوری بزرگ بینانه ارایه نمی گردد، بل، از خود وضع عینی جنبش دموکراتیک کشور و ویژه گیهای گذشته و امروز آن، در بستر یکی از مقطعیهای پیچیده و گنگ زنده گی سیاسی کشور که با آینده یی نا معلوم در گیر است، بر میخیزد.

۲- ائتلاف پس از دو دهه شکست جنبش، امیدواری جدیی را در اذهان ایجاد کرد و بار نخست این زمینه را فراهم ساخت تا مبارزان دموکرات، روشنفکران کشور و لایه های پیشرو جوانان و محصلان، حتا شماری از کارگزاران رده های مختلف دستگاه دولتی، سیمای نظام دیگری را به جای حاکمیت فاسد مافیایی کنونی، در ذهن پیوراندند. **وجود ائتلاف، تشکل الترناتیف دموکراتیک برای نظام کنونی را به یک امکان تاریخی مبدل ساخت.**

رفقا و دوستان عزیز،

شما از وضع فاجعه بار کشور با خبرید و هیئت رئیسه ائتلاف در تحلیلها و اسناد فراوانی که از یک سال بدینسو انتشار داده است، آن را باز نمایانده است.

اما می‌خواهم در این جا روی چند جنبه آن تکیه کنم تا باشد که درونمایه و معنای تاریخی گردهمایی امروز ما روشن تر گردد.

امروز یک الیگارشی فاسدِ مافیایی به معنای دقیق کلمه، بر کشور حکومت میکند. سکانهای اساسی قدرت در دست همین الیگارشی قرار دارند، فاصله میان قطبهای ثروت و فقر به طور روز افزونی زیاد می‌گردد. اعمال لجام گسیخته قدرت در جهت حفظ دارائیهای افسانه‌یی، یا فرا چنگ آوردن زمینه های جدید ثروت اندوزی، هم *خصلت طبقاتی نظام* و هم *ضعف پایه های اجتماعی و سیاسی آن* را آشکار می‌سازد. نظام از درون پوسیده است و در صورت نبود حمایت نیروهای بیگانه، فرو می‌پاشد.

در برابر وضعیت حاکم، مردم افغانستان با ابراز انزجار، بیزاری و خشم، واکنش نشان می‌دهند. کمتر نظامی در تاریخ کشور بدین حد منفور، غیر مردمی، چپاولگر و در عین زمان دارای امکانات و وسایل عظیم مالی و حمایت گسترده بین‌المللی بوده است. اگر اکثریت مردم و به ویژه روشنفکران کشور با دوره حاکمیت ح. د. خ. ا برخورد حسرت آلود می‌کنند، عمدتاً ناشی از همین ویژه گیهای نظام کنونی است.

خصوصیت دیگر نظام این است که ارتجاع غیر طالبی، دیگر کدام ریزرف قابل توجهی ندارد. حزب اسلامی با آنکه خود را رسماً در اپوزیسیون اعلام می‌دارد، عملاً در دستگاه دولت کنونی حضور دارد و شریک قدرت است.

حضور قوای ناتو - امریکا وضع تناقض آمیزی را برای افغانستان و منطقه به وجود آورده است. مخالفت با حضور ناتو و عدم همکاری با نیروهای نظامی بیگانه که استقلال کشور را زیر سوال برده است، اصل یا پرنسپیی است که نمیتوان از آن گذشت ولی آیا سیاست تنها شعار دادن اصول است یا کار اجتماعیست که در میدان عینیتهایی که تاریخ در برابر ما قرار میدهد، صورت می‌پذیرد. **ما باید خصلت تضاد آمیز حضور نیروهای مسلح ناتو - امریکا را در افغانستان بفهمیم:** اگر ما در وضع بهتر سیاسی - تشکیلاتی قرار می‌داشتیم، یعنی به حیث یک الترناتیف بالفعل برای نظام کنونی، توان به دست گرفتن سرنوشت کشور و مردم را میداشتیم و خطر استیلای پاکستان به یاری ارتجاع قرون وسطایی و ایدیالوژیک تحت حمایت آن، نمی‌بود، رویارویی با ناتو و قوای امریکایی کاملاً

موجه می بود. اما امروز، بدیل ملی - دموکراتیکِ بالفعل وجود ندارد و صدای پای ارتجاع سیاه افغانی - منطقه یی در آستانهٔ مرزهای سرزمین ما به گوش می رسد. تحلیل همین عینیت، خود، راه را به ما نشان می دهد: آیا تشکلِ الترناتیفِ دموکراتیک، در حضور امریکا - ناتو از امکان بیشتر برخوردار است یا تحت سیادت سیاه ترین نیروهایی که دشمنِ راه یافتن مردم افغانستان به جهان مُدرن و فراگذشتن از بندهای ذهنیت تحمیل شدهٔ قرون وسطایی اند؟ پاسخ کاملاً روشن است. هم باید مانع استیلای کامل ارتجاع قرون وسطایی گردید و هم زمینه را برای برگشت قوای بیگانه فراهم ساخت. چنین است باریکراهی که تاریخ در برابر ما قرار داده است. باید با خونسردی و بدون در غلتیدن به دام شعارهای هیجان انگیز و شبه وطنپرستانه، موضوع حضور و برگشت قوای بیگانه را مطرح کرد: ضدیت اصولی ما با هرگونه لشکرکشی به کشورها، با نظامیگریِ هدفمند امپریالیستی، در شرایط خاص کنونی وطن و منطقه، باید شکل ویژه یی را به خود بگیرد. **جُنُبش دموکراتیک باید از این برههٔ زمانی که تا برگشت کامل قوای ناتو در اختیار دارد، حد اکثر استفاده را کرده، خود را در یک سازمان بزرگ سیاسی متشکل سازد و زمینه را برای ایجاد بدیلِ نظام فراهم کند.** استقلال واقعی سیاسی کشور، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، صرف به وسیلهٔ یک نظام دموکراتیک و مردمی تضمین شده میتوانند، یعنی با تشکل نیروهای مترقی و دموکراتیک در یک نهاد بزرگ سیاسی، پیوند دارند. اگر بتوانیم حزب مترقی دادخواهی را بسازیم، به معنای راستین کلمه یک نهاد ملی - دموکراتیک خواهد بود که هم وظایف ملی در مقیاس نگهداشت منافع ملی کشور خواهد داشت و هم وظایف دموکراتیک در دفاع از منافع توده های مردم افغانستان.

همرزمان گرانقدر،

پس از طرح ضرورت اساسگذاری یک نهاد بزرگ سیاسی دموکراتیک، اینک به مسألهٔ **چه گونه گی روند تشکل** آن به طور فشرده می پردازم تا در گفتگو و بحث باز گردد.

چیزی بیشتر از بیست سال از فروپاشی حزب - دولتِ دموکراتیک افغانستان می گذرد. از آن ساختار سیاسی، بیش از سی سازمان کوچک و متوسط و یک اکثریت غیر متشکل باقیمانده است. ح. د. خ. ا یا حزب وطن احیاء نگردیدند. تلاش این یا آن سازمان برای "فراگیر شدن" و جذب دیگر سازمانها در

خود، به نتیجه نرسید. با در نظر داشت همین واقعیت عینی، شیوه‌ی برای شکل نیروهای مترقی یعنی برای ایجاد یک اتحادیه یا یک ائتلاف بر اساس یک سند مرامی و تشکیلاتی مطرح گردید. پس از یک سال گفتگو و بحث در **مجمع همسویی** در کابل، همین طرح، وزین تر به نظر رسید و ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه به اساس یک پلاتفورم سیاسی - تشکیلاتی اساس گذاشته شد. آنچه در پلاتفورم اهمیت فوق العاده دارد، این است که اعضای ائتلاف می پذیرند که در فرجام **در یک حزب با هم متشکل شوند**، یعنی ائتلاف ما، صرف یک مجمع مقطعی نبوده، بل ادغام استراتژیک اعضا را در یک سازمان واحد، تصریح میدارد. خطوط اساسی - برنامه‌ی این سازمان را خود پلاتفورم ائتلاف تشکیل می دهد.

از آنجا که سازمانهای متعلق به جنبش دموکراتیک و آن اکثریت پراکنده از نگاه طرح اهداف نزدیک برنامه‌ی از هم تفاوت ماهوی ندارند، شکل آنها در یک ساختار واحد یک **امر ممکن** به نظر می رسد.

مشکل در زمینه‌های زیر نهفته است:

- تعلقات گذشته‌ی گروهی و علاقه‌مندی به این یا آن شخصیت فقید که باعث گونه‌ی **"خود بلند انگاری"** نسبت به دیگران شده، روحیه‌ی افتراق را دامن میزند؛
- ضعف فرهنگ سیاسی که بیشترین باعث مشاجرات بیهوده گردیده از ایجاد فضای سالم بحث جلوگیری می کند؛
- جاه طلبی و خود محور انگاری برخی از افراد و حلقات به طور پنهانی یا آشکارا یا از طریق توسل به مانورهای سیاست بازانه؛
- تداوم دشمنیهای گذشته و بیماریهای ایدیالوژیک و سازمانی چون غیبت، تفتین، سبوتاز، نیرنگ، دروغ، افترا و ده ها پتیاره گی دیگر که باعث سر خورده گی و دلسردی هزاران رهرو جنبش گردیده اند؛

- رُخ به گذشته داشتن: اگر دقیق ملاحظه شود، بیشترین وقت رفقای همنشین به بازگویی قصه های تکراریِ چهل یا سی سال پیش وقف می گردد؛ کمتر کسی از مسایل جدی امروزی جنبش و جامعه، یا از محتویات یک اثر تیوریک و علمی یاد میکند.
- و بلاخر ضعف اراده سیاسی، بی ابتکاری و تنبلی روان فرسودِ ناشی از مهاجرت یا پیشرفت سن.

با برشماری دشواریها و داده های عینی و ذهنی امروز جنبش دادخواه کشور، می شود چشم انداز وظایف بعدی را در برابر خود هموار کنیم. از این نکته آغاز کنیم که اگر همه مایلیم که در آینده نزدیک در یک حزب در کنار هم به مبارزه مشترک دسته جمعی بپردازیم، باید احکام زیر را که منطقاً الزامی اند، بپذیریم:

۱- حزب **جایگاه** اجتماعی رفع مسایل شخصی نبوده، محل فعالیت دسته جمعی برای دگرگون کردن جامعه است. ما باید بپذیریم که در یک جمعیت نا همسان از نگاه عاطفی و ویژه گیهای فردی ولی همسان از نگاه فعالیت سیاسی، شرکت خواهیم کرد، جمعیتی که روی چند اصل زنده گی دسته جمعی استوار می گردد. ممکن همه اعضای حزب، دوستان ما نباشند و ممکن برخی دشمنیهای شخصی کماکان همانند گذشته ادامه یابند ولی این امر نباید به اراده سیاسی ما به حیث مبارزان دادخواه آسیب رساند.

۲- همه ما محور نخواهیم شد، بل، یک کمیته مرکزی که یک ارگان اجرایی متشکل از چند نفر خواهد داشت، محور خواهد بود. باید بپذیریم که اگر دیروز عضو بیروی سیاسی یا عضو کمیته مرکزی ح. د. خ. ا یا حزب وطن بودیم، یا از اراکین بلند رتبه ملکی یا نظامی دولت بودیم، یا امروز رئیس یا منشی این یا آن سازمان چند صد نفری یا چند ده نفری هستیم، فردا ممکن حتا عضو کمیته مرکزی آن حزب ده هزار نفری نباشیم.

۳- ما باید بپذیریم که حزب آینده ما فقط یک رئیس خواهد داشت و اگر از قضای روزگار، آن رئیس، فرزانه بی والا مرتبت و مقبول همه گان باشد، ممکن تا آخر عمر چنین مقامی را در اختیار داشته باشد. یعنی اگر واقعاً می خواهیم یک حزب بزرگ صد هزاری بسازیم باید از

همین اکنون بپذیریم که چانس ما برای رئیس شدن خیلی اندک است و نباید فریب توهّمات خود بینانه را بخوریم.

۴- ما باید بپذیریم که نسل دیگری از راه رسیدنیست، نسلی که به چپ دیروزی افغانی صرف به حیث یک واقعیت تاریخی نگاه خواهد کرد، نی به حیث یک تجربه زیسته شده. ما باید بپذیریم که این نسل با نگرشهای تازه و در پیوند با دنیایی که در آن خواهد زیست، مسایل سیاسی و اجتماعی را به گونه دیگری مطرح خواهد کرد که برای ما لمس شدنی نخواهد بود.

وقتی این احکام را پذیرفتیم و اراده سیاسی خود را مبنی بر شرکت در روند ایجاد حزب متعلق به اقشار فرودست جامعه افغانی به آن افزودیم آنگاه یگانه موضوع قابل بحث که باقی میماند، چه گونه گی یا میکانیزم این روند خواهد بود .

موضوع شرکت احزاب و سازمانها روشن است. پیوستن به ائتلاف، آنها را مشمول پروسه می سازد. آنها تا کنگره اساسگذار حزب واحد، از استقلال سیاسی و سازمانی خود برخوردار اند و در صورتی که پراتیک سیاسی ائتلاف را با هویت خود سازگار نیابند، میتوانند از آن برون شوند، ورنه با دیگر اعضا به سوی کنگره خواهند رفت.

موضوع شرکت افراد و حلقات غیر متشکل، در جلسات هیئت رئیسه ائتلاف مورد بحث قرار گرفت و طرزالعملی برای آن تدارک دیده شده است به شرح زیر:

اگر رفقای نامبرده عضویت سازمانهای عضو ائتلاف را نمی پذیرند، یا خود برای ایجاد کدام سازمان اقدام نمی کنند، می توانند از طریق عضویت در یکی از گروههایی که همانند احزاب و سازمانها به ائتلاف پذیرفته می شوند، در کار ائتلاف و روند تشکل حزب واحد سراسری، شرکت کنند. هیئت رئیسه ائتلاف با در نظر داشت وضع عینی جنبش در خارج کشور، فیصله کرد تا گروه های حداقل صد نفری غیر متشکل شخصیتها، کادر ها و فعالان جنبش دموکراتیک افغانی مقیم خارج کشور را که در یک لیست واحد نام نویسی می کنند، به حیث اعضای ائتلاف بپذیرد. پنج تن از هر گروه به عضویت مجمع عمومی و از این شمار، دو تن به شورای عالی و از این دو تن یک نفر به هیئت رئیسه ائتلاف، پذیرفته می شوند. افراد نامبرده از سوی خود گروه انتخاب شده رسماً معرفی

میگردند. با این میکانیزم زمنیه شرکت تمام رفقا و علاقه مندان ایجاد یک سازمان بزرگ سیاسی برای مردم افغانستان، فراهم می گردد.

همرهان گرانقدر،

اینک که مسأله مرکزی و اساسی جنبش دموکراتیک کشور را به طور دقیق و مشخص نشانی کرده ایم، باید به بحث در باره آن پردازیم، منطقی ترین، عملی ترین و کوتاه ترین راه را برای تشکل برگزینیم.

● به امید آن که در آینده نزدیک در یک سازمان بزرگ سیاسی خدمتگزار خلق افغانستان با هم متحد شویم.

● پیروز باد داعیه برحق مبارزان سنگر آزادی و داد!